

وضعیت کنونی و آینده روابط

ایران و روسیه

والنتین شووالف^۱

زمینه وسیعی برای رشد و گسترش همکاری ایران و روسیه در تبلور اتحادیه‌های منطقه‌ای از اروپا تا چین می‌تواند وجود داشته باشد. بعضی از کشورهایی که دارای سیاست مستقل هستند تمایل دارند تا به‌طور آزاد در منطقه فعالیت داشته باشند چون ترس از آن دارند که در چارچوب این اتحادیه تحت سلطه کشورهای قوی قرارگیرند.

موضوع سخنرانی‌ام، بهانه خوبی شد تا با چنین ارزیابی مقاله‌ام را شروع کنم؛ کمتر زمانی در تاریخ روابط ایران و روسیه وجود داشته که روابط دو کشور به این اندازه به هم نزدیک شده باشد. دلایل این امر به قرار ذیل می‌باشد:

روسیه و ایران از نظر نظامی همدیگر را تهدید نمی‌کنند، هر دو کشور تغییرات و تحولات در کشورهای دیگر را در مناسبات فی‌مابین تأثیر و دخالت نمی‌دهند، روسیه و بنظر ایران علاقه‌مند به نقض تمامیت ارضی یکدیگر یا تغییرات در مرزهای موجود خود نمی‌باشند، هیچ‌یک از طرفین دارای تعهد و یا عضو اتحادیه‌ای علیه منافع طرف دیگر نمی‌باشد، از تمام امکانات برای همکاری‌های بازرگانی و اقتصادی استفاده می‌نمایند، با اعتقاد کامل در زمینه‌های نظامی - فنی و انرژی اتمی همکاری می‌نمایند، میان مسکو و تهران به‌طور مستمر مشاوره‌های سیاسی سازنده انجام می‌پذیرد. در مذاکرات، مسائلی که نتوان در مورد آنها صحبت کرد وجود ندارد، مواضع دو کشور در رابطه با بسیاری از مسائل بین‌المللی نزدیک می‌باشد و این امر امکان برقراری همکاری مستحکم در سطح بین‌المللی را فراهم می‌سازد، روابط دو کشور زمینه‌های جدید دیگری از همکاری پیدا کرده است و آن ارتباط میان شهرهای معظم دو کشور است، دوران جنگ سرد را پشت سر گذاشته و دیگر از مسائل اطلاعاتی و تبلیغاتی و مسائل مربوط به ویزا

۱. والنتین شووالف، معاون مدیرکل آسیای غربی وزارت امورخارجه فدراسیون روسیه است. این مقاله در دومین میزگرد ایران و روسیه (مسکو ۱۲ و ۱۳ مهرماه ۱۳۷۴) ارائه گردید.

خبری نیست. در کل روابط دو کشور حالت عادی و حسن همجواری پیدا کرده است و به نحوی است که مقامات هر دو کشور از آن راضی هستند.

بدیهی است که ارزیابی مثبت فوق‌الذکر همه واقعیت روابط امروز ایران و روسیه نمی‌باشد، اما همه گفته‌ها واقعیتی بدون اغراق است. در این دستاوردها باید به نقش سازنده و ابتکاری دو سفیر جمهوری اسلامی ایران و روسیه آقایان صفری و ترتیاکف اشاره کنم.

در دیدار قبلی در تهران این امکان را پیدا کردم که در حضور شرکت‌کنندگان جلسه امروز و دوستانی ایرانی‌ام دیدگاههای خود را در مورد آینده روابط ایران و روسیه در سیستم هماهنگی ژئوپلیتیک بیان دارم. لذا در اینجا قصد دارم به بعضی از نکات آن و حالا که شش ماه از آن تاریخ گذشته است بازگردم.

من رجاء واثق دارم که برای روسیه مناسبات با ایران به‌عنوان یک ارزش مستقل مطرح می‌باشد و روسیه این مناسبات را فدای سایر اهداف سیاست خارجی خود نخواهد کرد، و این امر در تصمیم‌گیری ریاست‌جمهوری مشهود است و همکاری انرژی اتمی با ایران که در چارچوب عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای انجام می‌گیرد در همین راستاست.

همان‌طور که مستحضرید آمریکا کوشش بسیاری کرد تا همکاری‌های ایران و روسیه در این زمینه را به هم بزند. بدیهی است که در تصمیم‌گیری‌های روسیه، منافع کلی این کشور و اینکه به‌عنوان یک شریک مطمئن باشد، همواره مدنظر است. در این رابطه مسکو برای مناسبات با ایران ارزش زیادی قائل است و هرگونه سیاست انزواء اعمال تحریم تجاری، فشار سیاسی و روانی را محکوم می‌کند.

تحمل مشکلات عملی و تئوری در مورد منافع ریشه‌ای و ژئوپلیتیک روسیه و ایران و تغییرات و تحولات اوضاع در منطقه نه تنها موجب دور شدن از یکدیگر نمی‌شود بلکه در برخی موارد موجب نزدیکتر شدن آنها گردیده است. همکاری دو کشور به‌عنوان ناظر و بانیان اصلی مذاکرات صلح تاجیکستان ادامه داشته و روزبه روز تکمیل می‌گردد.

در ارتباط با درگیری‌های تاجیکستان نباید به انطباق عقاید و تمایلات مسکو و تهران اشاره داشت. اما اوضاع در تاجیکستان را نباید هرگز به صورت مقابله میان مسلمانان و کمونیستها ارزیابی کرد. با گذشت زمان گروههای قانونی اپوزیسیون تاجیکستان از گروههای جنایتکار جدا شده، گروههایی که روابط و تمایلات خود را با کشورهایی که با ایران دوستی ندارند هرچه بیشتر نزدیک می‌کنند. روسیه و ایران هیچ اختلاف ماهوی در برخورد با اختلافات افغانستان ندارند. هر دو کشور با هرگونه تجزیه‌طلبی و مداخلات خارجی که در این اواخر کمی

تشدید شده است مخالفند. یکی از عواملی که موجب نزدیک شدن ایران و روسیه می‌گردد دریای خزر، دریای منحصربه‌فرد با منابع غنی و سرشار خود است. با توجه به منافع مشترک در این دریا هر دو کشور با غارت و بهره‌برداری ناصحیح از این دریا مخالفت دارند. این دریا می‌تواند زمینه رقابت شدید و یا همکاری‌های منطقه‌ای باشد. حالت اول عواقب بسیار وخیم به بار خواهد آورد و این حرکت در راستای منافع روسیه و ایران نمی‌باشد و اگر حالت دوم صورت واقعیت به خود بگیرد به احتمال زیاد مسکو و تهران با هم خواهند بود نه جدا از هم!

زمینه وسیعی برای رشد و گسترش همکاری ایران و روسیه در تبلور اتحادیه‌های منطقه‌ای از اروپا تا چین می‌تواند وجود داشته باشد. بعضی از کشورهایی که دارای سیاست مستقل هستند تمایل دارند تا به‌طور آزاد در منطقه فعالیت داشته باشد چون ترس از آن دارند که در چارچوب این اتحادیه تحت سلطه کشورهای قوی قرار گیرند.

روسیه بدون شک موضوع چنین آزمونی قرار خواهد گرفت. اما باید گفت که روسیه تنها نخواهد بود. مرزبندی‌های جدید نه تنها در اروپا بلکه در آسیا - آسیا در حال شکل‌گیری است که می‌توان به نمونه پیدایش پان‌ترکیسم اشاره کرد. کوشش ملت‌های ترک تنها به همکاری‌های فرهنگی خاتمه نمی‌یابد بلکه همچنین همکاری در زمینه‌های دفاعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشد. جدایی منطقه‌ای براساس مسائل قومی و نژادی مربوط به ایام باستان غیرقابل فهم و پذیرش است. بخصوص زمانی که موجب قطع روابط می‌گردد و جنبه مقابله با سایر ملت‌ها را پیدا می‌کند و از همه بدتر این که موجب فروپاشی کشورهایی که دارای اقوام مختلف می‌باشند می‌گردد. مثلاً از آنکارا چنین شعاری به گوش می‌رسد که قرن آینده قرن ترک‌ها خواهد بود. بدین ترتیب اقوام غیرترک به یکدیگر نزدیک می‌شوند و انتظار دارند تا ۱۰۰ سال دیگر زمان آنها نیز فرا برسد.

به همان اندازه هم مسئله جدا کردن مذهب برای تعیین مناطق جدید همکاری‌ها بدون معنا خواهد بود. مفهوم جهان اسلام مثل جهان ارتدوکس و کاتولیک بدیهی است که واقعیت موجودیت عرصه معنوی را منعکس می‌کند و این نباید پایه جدایی‌های سیاسی - اقتصادی و نظامی گردد.

صحیح نخواهد بود اگر اشاره‌ای به مشکلات روابط ایران و روسیه و موانع گسترش آن را نداشته باشیم. هر دو کشور به قدر کافی فشارهای ایدئولوژی را توانستند از خود دور کنند. ولی هنوز گاهی این فشارها به نوعی خود را نشان می‌دهند.

اختلاف دو کشور در خط‌مشی‌های آنها نسبت به مسائل خاور نزدیک و بوسنی

می‌باشد. در ایران هنوز افرادی هستند که نسبت به کشور شمالی خود نفرت دارند. علی‌رغم تصمیم امام خمینی (ره) نسبت به پایان بخشیدن دوران دشمنی و روابط بین دو کشور، هنوز مخالفت‌هایی در میان بعضی از انجمنها ادامه دارد، البته باید خاطر نشان ساخت که این مخالفتها امروزه در شکل دهی و اجرای سیاستهای ایران دخیل نمی‌باشند.

این افراد که خود را به سیاست اعتقادی سخت پیوند زده‌اند بر عدم اطمینان به روسیه به‌عنوان یک شریک تکیه می‌کنند و دوست دارند از اخبار و تسویه‌حسابهای کهنه گذشته استفاده کنند. نیز افرادی هستند که از رابطه کنونی ایران با غرب راضی نیستند و فکر می‌کنند که برای اصلاح و بهبود روابط با غرب باید رابطه با روسیه خراب شود.

از طرف دیگر بسیار بد است که هنوز مردم دو کشور ایران و روسیه یکدیگر را خوب نمی‌شناسند. تماس بین دو ملت بسیار کم است. ایرانیانی که به کشورهای اروپایی سفر می‌کنند به‌مراتب بیشتر از ایرانیانی هستند که به روسیه می‌آیند و همچنین تعداد روسهایی که به ترکیه و ایران سفر می‌کنند با یکدیگر قابل مقایسه نمی‌باشند. عدم شناخت اوضاع و امور و گاهی جهالت فاحش زمینه‌ساز خوبی برای سوءظن و بدخواهی می‌گردد.

امیدواریم که درباره همکاری‌های اقتصادی ایران و روسیه سایر شرکت‌کنندگان جلسه حاضر سخنرانی نمایند. اینجانب به‌عنوان کارشناس امور سیاسی روابط با ایران، باید اذعان دارم که همکاری‌های اقتصادی آینده میان دو کشور دورنمای بسیار خوبی دارد و هیچ‌گونه مانعی درمقابل این همکاری‌ها مشاهده نمی‌شود. ابتکار برگزاری چنین میزگردهایی برای من و سایر دیپلماتها و اقتصاددانان که در رابطه با ایران فعالیت دارند بسیار ارزشمند و مفید می‌باشد.